

بازار اورانیوم و دسیسه چینی امپریالیسم

سخنگویان امپریالیستها و نوکران آنها در جهان می گویند که مخازن اورانیوم شناخته شده در جهان تنها کفاف تامین سوخت جهان را به مدت ۶۰ سال آینده می دهد و آنها در صورتی که مصرف انرژی در همین حد باقی بماند و افزایش نیابد و پس از آن باید فکر دیگری برای تامین انرژی کرد. آنها از این اظهار نظر که بیشتر جنبه شستشوی مغزی ایدئولوژیک دارد تا بیان واقعیت یک پژوهش علمی، نتیجه می گیرند که کشور ایران نه در پی غنی سازی اورانیوم که بهر صورت آینده ای ندارد و تمام شدنی است بلکه در پی ساختن بمب اتمی است. آنها در نفی فعالیت‌های هسته ای ایران مدعی می شوند ساختمان نیروگاه اتمی در ایران بی آینده است و بهر صورت نمی تواند انرژی آینده ایران را که طول عمری در حدود شصت سال دارد تامین نماید و لذا ایران در عرصه ای سرمایه گذاری می کند که نه آینده ای دارد و نه اقتصادی است. و از این تحلیل نتیجه می گیرند که ایران در پی ساختن بمب اتمی است.

ایران قرار داد منع گسترش سلاحهای اتمی را امضاء کرده است و موافقت خویش را برای نساختن بمب اتمی نه تنها بر اساس قرار داد موجود بلکه در بسیاری موضعگیریهای سیاسی اعلام داشته است. حداقل از نظر حقوقی به دولت ایران نمی توان ایرادی وارد دانست. اگر دولت ایران مانند جمهوری دموکراتیک کره شمالی از قرار داد منع گسترش سلاحهای اتمی خارج شود این حق طبیعی ایران است که حتی به ساختن بمب اتمی مانند اسرائیل که قرار داد را امضاء نکرده است و آمریکا و پاکستان و فرانسه و انگلستان و... مبادرت ورزد. امری که برای یکی خوب و پسندیده است نمی تواند برای دیگری بد و نکوهیده باشد. اینکه داشتن بمب اتمی به مصلحت ایران است و یا نیست و یا اینکه موضع کمونیستها و از جمله حزب ما در مورد آن چیست امر دیگری است که ما در مقالات گذشته خود مفصل به آن پرداخته ایم. دولی که این جار و جنجال تبلیغاتی را براه انداخته اند خودشان از جنایتکارترین و بی وجدان ترین دول غارتگر و تجاوزگر جهانند و طبیعتاً کوچکترین مشروعیتی ندارند بدیگران ایراد بگیرند و خطر بمب اتمی را گوشزد کنند. این وظیفه مردم ایران است که در این زمینه تصمیم بگیرند و پیشنهاد خلع سلاح اتمی عمومی را مطرح نمایند.

امپریالیستها که می بینند با این استدلال تا کنون موفق نشده اند نه دول غیر متعهد را بفع خویش بسج کنند و نه توانسته اند مردم ایران را فریب دهند و نه اینکه افکار عمومی جهان را گول بزنند. آنها از روی استیصال هر لحظه استدلال مسخره جدیدی از جیب بغلشان در می آورند تا ثابت کنند غنی سازی اورانیوم در ایران مساوی ساختن بمب اتمی است که تازه اگر چنین باشد همانگونه که در بالا نوشتیم با خروج ایران از پیمان منع گسترش سلاحهای هسته ای صرفاً از جنبه حقوقی نمی توان بر آن ایرادی وارد دانست. ولی آنها استدلال جدیدی دارند. این استدلال جدید استدلال ۶۰ ساله است.

نخست اینکه این ادعا که مخازن موجود اورانیوم تنها نیاز انرژی ۶۰ سال آینده را تامین می کند تنها یک ادعای پوچ ممالک امپریالیستی برای فریب سایر کشورها است. اگر سخنگویان آنها مدعی می شدند که تامین نیاز مصرف انرژی تنها برای ۳۰ سال آینده مقدور است باز هم کسی نبود بجز تنها متحدین انگشت شمار آنها که صحت و سقم این ادعا را به زیر پرسش بکشاند. تنها ممالک بزرگ سرمایه داری که بر جهان سلطه دیرینه دارند می توانند با توجه به توان علمی و کارشناسی که دارا می باشند تا حدودی مکانها و معادن مواد اولیه را بشناسند و از ظرفیت واقعی آنها با خبر باشند. آنها در بازار بورس جهانی با پخش اخباری در مورد کشف یک معدن بزرگ اورانیوم و یا مس می توانند در بالا و پایین بردن قیمتها موثر باشند. ادعای اینکه مقدار اورانیوم کشف شده در جهان تنها کفاف مصرف ۶۰ سال انرژی آینده را با شرایط حاکم امروز در بازار مصرف انرژی می دهد به افزایش قیمت اورانیوم کمک می کند و چین و هند را وادار می نماید در بازار جهانی پول بیشتری برای خرید کالای اورانیوم بپردازند.

جنبه دیگر این ادعا که بوجی آنرا نشان می دهد تلاش شتابان این ممالک در گسترش تولید انرژی نیروگاههای اتمی و ساختن نیروگاههای اتمی جدید در کشورهای خود است. اگر به اخبار مطبوعات مراجعه کنید متوجه می شوید که کلیه ممالک پیشرفته سرمایه داری در سراسر جهان تولید نیروگاههای هسته ای خویش را افزایش داده و یا برای گسترش و افزایش ظرفیت آنها برنامه ریزی دراز مدت کرده اند. آنوقت این پرسش مطرح می شود که چگونه این برنامه ریزی با سرمایه کلان برای ۶۰ سال ادعائی آینده اقتصادی است؟ تا ساختمان این نیروگاهها تمام و آماده بهره برداری شود چندین سال وقت می گذرد و این مدت را نیز باید از حد تخمین مدت ۶۰ سال تقریق کرد تا مبنای مدت واقعی محاسبه اقتصادی بدست آید. هر چه این مدت کمتر باشد این سرمایه گذاری غیر اقتصادی تر است. ولی علیرغم این دول امپریالیستی و حتی غیر امپریالیستی از نیت خود برای ساختمان نیروگاههای اتمی دست بر نمی دارند.

نشریه حریت در ترکیه نوشت: “به علت بهای بالای انرژی ۲۳ در صد از شهروندان ترکیه از برق قاچاق استفاده می کنند”. دولت ترکیه قصد دارد در دو مرحله ۵ نیروگاه اتمی احداث کند که اولین و بزرگترین آن در شهر شمالی سینوپ در ترکیه خواهد بود. دولت ترکیه اعلام کرده است که برای رفع وابستگی از نظر انرژی اتمی راه دیگری جز بهره برداری از انرژی اتمی ندارد.

نشریه زود دویچه تسایونگ در شماره ۸ و ۹ ژوئیه ۲۰۰۶ نوشت: “با مساعدت واشنگتن اکنون هندوستان می تواند نیروگاههای اتمی خویش را گسترش دهد و عطش انرژی فزاینده یک میلیارد هندی را بر طرف کند”. این کار در زمانی صورت می گیرد که دولت هندوستان نه عضو پیمان منع گسترش سلاحهای اتمی است و نه از بکار بردن و تهدید با بمب اتمی دست بر می دارد.

نشریه آفتاب در ۹ مرداد ۱۳۸۵ نوشت: “چین اعلام کرد که به پاکستان بای ساختن شش نیروگاه برق هسته ای ۳۰۰ مگاواتی کمک خواهد کرد... چین در حال حاضر ۱۱ نیروگاه برق هسته ای دارد که در مجموع ۸۷۰۰ مگا وات برق هسته ای تولید می کنند. بر اساس طرحی ملی، چین قصد دارد ۲۰ واحد نیروگاهی دیگر را تا سال ۲۰۲۰ برای خود احداث کند تا بتواند قادر به تامین نیازهای فزاینده انرژی آن شود”.

نشریه زود دویچه تسایونگ در شماره ۴ تا ۵ نوامبر ۲۰۰۶ می نویسد: “دولت بلر در نظر دارد پس از ده ها سال برای نخستین بار مجدداً احداث نیروگاههای هسته ای را مجاز شمارد. وی سعی می کند سران ممالک صنعتی گروه ۸ را به یک موضعگیری دوستانه تری نسبت به مساله اتمی وادارد”.

آقای بلر و آقای بران وزیر خزانه داری انگلستان اعلام کردند که می خواهند سیستم اتمی انگلستان را مدرن کنند. آنها بای این کار برنامه دراز مدتی چیده اند. نشریه زود دویچه تسایونگ در شماره ۲۳ ژوئن ۲۰۰۶ نوشت: “مخارج سیستم هسته ای مدرن بر اساس گزارش کارشناسان می تواند ۲۵ میلیارد فوند(۳۷ میلیارد یورو) را تا سال ۲۰۲۵ ببلعد. معذالک آقای بران که بعنوان خزانه دار مسئول بودجه کشور است روشن کرد که وی برای پرداخت این مبلغ آماده است”.

همین نشریه در شماره ۱۷ و ۱۸ ژوئن خویش به برخورد مجلس اروپا به مساله استفاده از انرژی هسته ای اشاره کرده می نویسد: “در یک تصمیمی پیرامون اشتراک اتمی اتم اویر اکثریتی از جمله سوسیال دموکراتها موافق کارزار روشنگری در مورد نیروگاههای هسته ای بودند. دلیلشان: “موکدا ضرورت دارد که افکار وسیع عمومی مزایای بهره برداری مطمئن از انرژی هسته ای را درک کند”. این مصوبه حتی مورد تائید سوسیال دموکراتهای آلمان در مجلس اروپا نیز قرار گرفت. در همسن شماره و در همان مقاله سازمان انرژی اتمی به صراحت عنوان می کند که تنها راه جلوگیری از گرم شدن هوا و جلوگیری از خطر از دست دادن تعادل طبیعت کم کردن مصرف انرژی از مواد فسیلی نظیر نفت است که به تولید گاز کربن و تغییر آب و هوا منجر می شود. سازمان انرژی اتمی تنها راه را در توسعه نیروگاههای هسته ای و استفاده از انرژی هسته ای می داند. زود دویچه می نویسد: “درست قبل از آغاز کنفرانس ممانعت از آلودگی هوا در نایروبی سازمان جهانی انرژی اتمی در ۳۲ سال تاریخ حیاتش برای نخستین بار در پاریس بطور آشکار برای احداث نیروهای جدید هسته ای تبلیغ می کند. در گزارش این سازمان که در دست نمایندگان کنفرانس قرار داده شده است و در هفته آینده منتشر می شود آژانس به این نتیجه می رسد که بدون نیروی برق حاصل از انرژی هسته ای و نیروگاههای هسته ای جدید مشکل گرم شدن کره زمین قابل کنترل نیست. از این گذشته بدون فن آوری هسته ای تامین انرژی جهانی باندازه کافی مطمئن نیست”.

ما از گسترش و تکمیل نیروگاههای هسته ای در آلمان، سوئد، فنلاند، لتونی، چک، فرانسه، روسیه، آمریکا و... سخن نمی گوئیم. همین نمونه هائی که خود امپریالیستها منتشر می کنند و سیاه روی سفید نوشته اند کافیه است تا از دورویی آنها در برخورد به مساله بهره برداری از انرژی هسته ای در ایران پرده بردارد. مثنی ایرانی که بیشتر ابلهان سیاسی هستند و به آینده مردم کشورشان فکر نمی کنند این دروغهای امپریالیستها را باور می کنند و خود را به رنگ سبزه ها در می آورند تا آلت دست امپریالیستها شوند. بهره برداری از انرژی هسته ای و دستیابی به این فن آوری حق مسلم مردم ایران است. مخالفت با آن مخالف با مصالح ملی کشور ماست و آب ریختن به آسیاب رژیم جمهوری اسلامی است تا برای حفظ رژیم ارتجاعی و کثیفش سرانجام مصالح ملی ایران را وجه المصلحه بقاء رژیم آخوندی قرار دهد و با امپریالیسم بر سر توقف غنی سازی هسته ای کنار آید. حال که ماهیت تبلیغات امپریالیستها را روشن کردیم و نشان دادیم که خود آنها در عمل

عکس آنرا می کنند که به ملل تحت سلطه توصیه می نمایند و حقوق ملت‌های جهان را لگد مال می نمایند و برای اسارت آنها از هم اکنون برنامه ریزی می کنند بر می گردیم به استدلال ۶۰ سالگی آنها.

واقعیت چیست؟ حتی اگر ما مبنای داورى خویش را بر همان ادعای ۶۰ سال بگذاریم باید توضیح دهیم که امپریالیست‌ها منابع انرژی جهانی را نسبت به سرانه جهانی مصرف انرژی محاسبه و بر این اساس طول عمر مصرف اورانیوم را تخمین می زنند. در حالیکه معادن اورانیوم ایران متعلق به ایران است و نه به امپریالیست‌های جهانی و به همه کشورهای جهان. چنانچه ایران معادن اورانیوم خویش را خود استخراج کند و مصرف نماید آنگاه نیروگاه‌های اتمی ایران برای قرن‌های آتی نیز می توانند به تولید انرژی بپردازند و ایران یکی از بزرگترین تولیدکنندگان انرژی در منطقه خواهد شد و می تواند از راه فروش انرژی هسته‌ای به صورت نیروی برق یک منبع درآمد دائمی اقتصادی و سیاسی در منطقه ایجاد کند. اینکه ماهیت رژیم‌ی که در ایران بر سر کار است چیست کوچکترین تغییری در این ارزیابی علمی و دوراندیشانه نمی تواند بوجود آورد. این تنها می تواند بهانه‌ای در دست اپوزیسیون قلابی ایران باشد تا بر مصالح ایران و نفع امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها خط بطلان بکشند و آلت دست تبلیغات آنها شود. کسی نمی تواند ماهیت رژیم ایران را در صد سال آتی پیشگویی کند ولی می توان پیشگویی کرد که ایران باقی می ماند و نسل‌های بعدی ایرانیان به مصرف انرژی برای رفاه بیشتر و یا تامین حداقل امکان زیست نیاز خواهند داشت. می توان پیشگویی کرد که در صد سال دیگر رژیم جمهوری اسلامی در ایران بر سر کار نیست. می توان پیشگویی کرد که نیاز به مصرف فزاینده انرژی در ایران به ماهیت رژیم‌هایی که می آیند و می روند بستگی ندارد و نخواهد داشت و باید مستقل از ماهیت این رژیم‌ها در مورد این پدیده اظهار نظر کرد تا مردم این تشکله‌ها را جدی بگیرند و برای تحلیلهای آنها ارزش قایل شوند. پرگوئی‌های بی معنا و درازگویی برای چیزی نگفتن هنر نیست توهین به خوانندگان و مردم است که این مدعیان رهبری، آنها را احق می پندارند. طبیعتاً در یک دنیای بدون سرمایه داری توزیع و مصرف انرژی نیز باید با برنامه، عادلانه و انسانی باشد و ما کمونیست‌ها نخستین کسانی خواهیم بود که برنامه تامین انرژی مردم را در یک حکومت جهانی متکی بر آزادی انسان در مد نظر و برنامه خویش قرار می دهیم. ما با روح همبستگی بین المللی پرورش یافته ایم و نجات بشریت را در برادری آنها می دانیم. ولی این ایده آل انسانی نباید مانع از آن شود که در زمانیکه همه شرایط برای این تحول موجود نیست ممالک زیر سلطه در فکر تامین آتیه ساکنین کشورشان نباشند. این دست‌آوردهائی است که برای نسل‌های آینده ایران باقی می ماند.

مخالفت امپریالیست‌ها با نیروگاه‌های هسته‌ای ایران ناشی از ترس آنها از بمب اتمی ایران نیست زیرا که آنها از نظر نظامی قادرند پس از نخستین آزمایش اتمی ایران تمام تاسیسات هسته‌ای ایران را نابود کنند و خیالشان راحت شود. آنها قادرند با فشار جهانی و تحمیل قراردادهای بازرسی های دائم و سرزده از "اسرار اتمی" ایران همانگونه که تا کنون در اثر خیانت رژیم جمهوری اسلامی با پذیرش قرارداد الحاقی بوده است سر در آورند. ولی علیرغم این واقعیات آنها بر طبل تبلیغاتی خویش علیه حق مسلم ایران در غنی کردن اورانیوم می کوبند. امپریالیست‌ها خود را مالک اورانیوم ایران می دانند. در زمان سلسله منفور پهلوی مخازن اورانیوم یزد را آمریکانیا کشتی کشتی می زدیدند و شاه "مستقل و ملی" دست آنها را در این راهزنی دریائی باز گذارده بود و صدایش را هم در نمی آورد. حتی یکبار هم نشد که مطبوعات ایران از مخازن بزرگ اورانیوم یزد سخن گویند. صحبت بر سر اورانیوم حرام بود و خیانت ملی محسوب می شد.

ولی امروز هر ایرانی می داند که ایران دارای مخازن غنی اورانیوم در حوالی یزد است و مالک انرژی سرشار است. امپریالیست‌ها که دستشان از این گنج باد آورده کوتاه شده است می خواهند اورانیوم ایران را به نیروگاه‌های اتمی خویش سرازیر کنند. آنها بر روی این اورانیوم حساب باز کرده اند. آنها می خواهند اورانیوم ایران را بزدند و غنی کنند و با بهای کلان که هر روز کلان تر و انحصاری تر نیز می شود مجدا به خود ما بفروشند. آنها می خواهند دوسره بار کنند. نوکران بیچاره بی جیره و مواجب و یا با جیره و مواجب بومی آنها در ایران از "چپ" و راست ماهیت ارتجاعی جمهوری اسلامی را دستاویزی کرده اند تا آینده نسل‌های آتی ایران را بر باد دهند. آنها با غنی کردن اورانیوم در ایران مخالفند و اعتقاد دارند که ما باید اورانیوم خود را به امپریالیست‌های "متمدن" پیشکش کنیم. و نیروی برق خود را در آتیه از آنها بخریم. این منطق خائنین و ضد ایرانی هاست.

روشن است که غنی کردن اورانیوم حق مسلم ماست. یک آرمان ملی است و مردم ایران باید برای کسب این حق مانند حق ایران در ملی کردن صنعت نفت بکوشند. مردم ایران باید با مبارزه همه جانبه خویش مانع شوند که امپریالیست‌ها و نوکران بومی "چپ" و راست آنها بر سر این حق معامله کنند. رژیم مرتجع جمهوری اسلامی هر لحظه ممکن است با کسب امتیازاتی از امپریالیست آمریکا در جهت تامین امنیت رژیم جمهوری اسلامی از کلیه حقوق حقه و مسلم ایران صرف نظر کند و مانند شاه و زاهدی و کاشانی که در امر ملی کردن صنعت نفت تن به کودتا و خیانت دادند، به خیانت ملی تن در دهند. مالاها وطن ندارند، وطنفروشد، مالاها مانند منصور حکمت مفهوم ملت را به رسمیت نمی شناسند، مالاها امت پرستند، آنها جهان وطنی اسلامی یعنی پان اسلامیم را می خواهند نظریاتشان در بسیاری موارد شبیه تنوریهای ارتجاعی منصور حکمت است. دشمنی آنها با ایران، تلاش آنها برای اینکه سنت‌های ملی ایران را از بین ببرند، علم کرن اسلام در مقابل ایران، عید فطر در مقابل نوروز، تقویم اسلامی در مقابل تقویم ایرانی و... شاهدان روشنی هستند که به ما هشدار می دهند این جماعت از خیانت به منافع ملی ایران باک ندارد. آنها تنها در پی بقاء خود هستند و برای این بقاء هر قیمتی را می پردازند و با امپریالیست‌ها کنار می آیند. ولی این خیانت نافی آن نیست که انرژی هسته‌ای حق مسلم ماست و ما برای کسب آن مبارزه می کنیم.

بر گرفته از توفان شماره ۸۱ آذر ماه ۱۳۸۵ ارگان مرکزی حزب کارایران

toufan@toufan.org www.toufan.org